

واحد تند

ای حریم قدس تو جنتم

خاک کوی تو شدن عزتم

با تو دورم آقا از هر بدی سیدی سیدی

سامرا بهشت دل مجنون ما

سامرا کعبه عشاق بی نوا

سامرا دلخوشی قلب این گدا

یا علی بن محمد یا سیدی...

دعوت کن یک شب مرا در حرم

بده آموزش مرا از کرم

هستم در عبودیت مبتدی سیدی سیدی

عادنکم الاحسان یا ولی ا...

اشفع لنا عندا... یا حجت ا...

فکری کن برای ما حق ثارا...

یا علی بن محمد یا سیدی...

گرچه هم بیچاره و هم بدم

گرچه در درس وفا من ردم

هرگز بر من نگویی تو ردی سیدی سیدی

اگرچه رو سیاه و هوا پرستم

اگر چه روی خاک غفلت نشستم

نوکر نوکران جدتان هستم

یا حسین یا ثارا... ابا عبدا...

ای امام عالمین یا حسین

ای به زهرا نور عین یا حسین

مجروح تیغ و سنین یا حسین یا حسین یا حسین

کشته ی راه خدا ابا عبدا...

ای غریب کربلا ابا عبدا...

ای شهید سر جدا ابا عبدا...

یا حسین یا ثارا... ابا عبدا...

زمینه

یا زهرا بیا امشب سامرا داره کوچه هاش بوی کربلا

چی بگم از این درد بی حساب ای وای ای وای

آقامون و بردن بزم شراب ای وای ای وای

چه غمی تو نگاشه ناله ای تو صداشه

امون از دل زینب رو لباشه

وای غریب آقا...

آه از غصه هاش در پیش نگاش کردن قبرشو تو زندون
براش

دل آقامون و آتیش زدن ای وای ای وای

بی اجازه تو خونش اومد ای وای ای وای

امون از زهر کینه آرزوش فقط اینه

بمیره دم آخر تو مدینه

وای غریب آقا...

روز خوش ندید طعنه هی شنید پشت مرکب دشمن
میدوید

شبیهِ رقیه پریشونه ای وای ای وای

آقامونو بردن تو ویرونه ای وای ای وای

میزنه دیگه ناله رو لبش یه سواله

که چه کرد سر بابا با سه ساله

وای غریب آقا...

بسوزم از دل و جانم ، برای حضرت هادی

ز زهر کینه جان داده ، فدای حضرت هادی

واویلا آه و واویلا...

به زهرا تسلیت گوئیم ، عزای نور عینش را

همان که کشته شد مظلوم ، غریبانه به سامرا

واویلا آه و واویلا...

چنان از زهر نامردان ، ازو سوزانده شد پیکر

که هر دم ناله سر میداد ، کجایی سوختم مادر

واویلا آه و واویلا...

بین مادر بین مادر ، که سر تا پا شرر گشتم

چو فرزندات حسن من هم ، بین پاره جگر گشتم

واویلا آه و واویلا...

ز بس مظلوم بودم من ، شدم از غصه آکنده

عدو در پیش چشمانم ، زکینه قبر من کنده

واویلا آه و واویلا...

بین مادر عطش گشته ، به من غالب در این غوغا

دم آخر کنم گریه ، به یاد روز عاشورا

واویلا آه و واویلا...

میان مقتا عشقش ، حزین و خونی و عریان

حسینت ناله سر میداد ، انا العطشان انا العطشان

واویلا آه و واویلا...

ز بسکه تشنگی غالب ، شده بر سبط پیغمبر

حسینت دود می دیده ، همه جا را دم آخر

واویلا آه و واویلا...

نوحه

امام هادی کشته از جفا شد زهراى مرضیه صاحب عزا شد

واویلا واویلا آه و واویلا...

ابن الرضا گشته قتیل اعدا گریان ازین ماتم ، ام اییها

خونین جگر گشته نبی خاتم شد سامرا بیت الاحزان عالم

زهرا جفا آتش زده به جانش سوزد ز کینه مغز استخوانش

قلب دوعالم شد بی صبر و تابش برده عدو سوک بزم شرابش

گرچه دلت گشته افسرده آقا چوبی به دندان نخورده آقا

اما به شهر شام، غم، بی کران بود لب حسین و چوب خیزران بود

زمینه-نوحه

غریب سامرا جانم فدایت بمیرم ای گل زهرا برایت

ز زهر فتنه ها جان داده ای تو که شهر سامرا شد کربلایت

تو روشنای دلپای تمام هستی مایگی گل پرپر زهرایی

فدای غصه و غمهای تو آقا

گرفت آتش ز سر تا پای تو آقا

آه...واویلاواویلاواویلا

دل سگان جنت مایل تو تو مولا و کریمان سائل تو

به کوری دو چشم دشمنان همه جانها بود نا قابل تو

تو نوری به چشم همه نمایان هر دم زمزمه مدد ای گل فاطمه

شود حاصل ز لطف نصر ما آقا

تویی جدّ امام عصر ما آقا

آه...واویلاواویلاواویلا

تو وبزم شراب و اهل عصیان ملائک از غم تو دیده گریان

به یاد شهر شام و ظلم عدوان شده ذکر همه عالم حسین جان

سری از پیکر جدا بود میان طشت طلا بود دم زینب، واویلا بود

دل زینب، زداغ دلبر افسرده

حسین جان بر لبت چوب جفا خورده
آه...واویلاواویلاواویلا

نوحه ایستاده

تو غریب سامرایی کشته زهر جفایی

تا فلک میرسد سوز نوایت

سامرا شد زمین کربلایت

یا مظلوم امام هادی...

ای نقی نام نکویت قبله ی دلها به سویت

در غمت دشت و هامون گریه کرده

مادرت فاطمه خون گریه کرده

یا مظلوم امام هادی...

با لیان خشک و عطشان یاد سالار شهیدان

گریه کردی به یاد جسم بی سر

ظلم شمر و سنان بر آل حیدر

یا مولا حسین یا مظلوم...

نوحه

غریب وادی سامرایی تو نور چشم خیر النسایی

تو باب المرادی حیدر نهادی ابن الجوادی

یا امام هادی...

از داغ تو ای بر جسم دین جان چشمان زهرا(س) گردیده گریان

ای شمس نبوی ماه تقوی علی النقی

یا امام هادی...

بزم شراب و نور امامت گریم به یاد درد مدامت

تو گشتی جان بر لب هر روز و هر شب به یاد زینب

یا امام هادی...

زینب میان بزم شراب است از داغ دلبر بی صبر و تاب است

آه شاه شهیدان چوب خیزران بر لب و دندان

یا ابا عبدا...

واحد آرام

ای عزیز زهرا امام هادی آقا امام هادی

غریب سامرا امام هادی آقا امام هادی

مسموم کینه دور از مدینه

شعله بر آرم از سوز سینه

آه و واویلا...

آتش بر دلها زد سوز آوایت آقا سوز آوایت

شرار دلها از درد و غمهایت آقا درد و غمهایت

خورشید رحمت نور ولایت

ای گشته مسموم در شهر غربت

آه و واویلا...

عطش زهر کین بر تو اثر کرد آقا بر تو اثر کرد

حالت ، قلب زهرا زیر و زیر کرد آقا زیر و زیر کرد

عزیز دلم همه حاصلم

می سوزد تنت داغت قاتلم

آه و واویلا...

پسرم صبری کن لحظه ای دیگر آه لحظه ای دیگر

می شوی سیراب از چشمه ی کوثر آه چشمه ی کوثر

گریه کن بهر نور دو عینم

مجروح و بی سر عطشان حسینم

آه و واویلا...

واحد آرام

امام شیعیان محبوب دلها گل باغ ولایت، سبط طاهها
علی بن محمد ، بین الزهرا(س)
علی بن محمد ، بین الزهرا(س)...
بین مولا منم عبد و گدایت شه دور از وطن، جانم فدایت
چو شمع انجمن گریم برایت
علی بن محمد ، بین الزهرا(س)...
چو مادر ای دو عالم خاک کویت شده گویا وفاتت آرزویت
که قبرت، کنده دشمن پیش رویت
علی بن محمد ، بین الزهرا(س)...
فدای لطف دستان کریمت فدای گریه بر درد قدیمت
هجوم آورده دشمن بر حریمت
علی بن محمد ، بین الزهرا(س)...
فلک در اضطراب آه و واویلا من و حال خراب آه و واویلا
تو و بزم شراب آه و واویلا
واویلا آه و واویلا واویلا...
دوباره زنده گشته یاد خوبان حسین و زینب و یک جمع نالان
یزید و خیزران واشک طفلان
واویلا آه و واویلا واویلا...

زمزمه روضه

خدا زهر جنایت ، به جانم چو اثر کرد
دل پر غم من را ، پر از سوز و شرر کرد
شده مرثیه ی من ، به سوز دل و آوا
واویلا واویلا...
ازین زهر خدایا ، تمام بدنم سوخت
در این وادی غربت ، همه جان و تنم سوخت
به دل ارزوی مرگ ، به لب ذکر یا زهرا
واویلا واویلا...
عطش بود و عطش بود ، در آن لحظه ی اخر
شده زنده برآیم ، حدیث غم دلبر
لب خشک حسین و ، علی اصغر و سقا
واویلا واویلا...
سری بر روی نیزه ، تنی در دل صحرا
فلک گشته سراسر ، پر از نوحه ی زهرا
عزیز دل مادر ، شدی بی کس تنها
واویلا واویلا...

زمینه

تو عادتک الاحسانی ، تو بر تن ایمان جانی
آینه حق ، محبوب خدا ، یا ربی و یا منانی
ای جد امام عصر جانها به فدای تو
تا روز ابد هستم مدیون عطای تو
تو آبرو به مذهب دادی یا امام هادی
کنم دمامم از تو یادی یا امام هادی
تو ترجمان عدل و دادی یا امام هادی
بده به عاشقان امدادی یا امام هادی
تو عطر گلشن اجدادی یا امام هادی
تو خصم ظلم و هم بیدادی یا امام هادی
به جنت خدا شمشادی یا امام هادی
مه هدایت و ارشادی یا امام هادی
یا امام هادی یا امام هادی...

تو عادتک الاحسانی ، تو درد مرا درمانی
حاجات نهان در قلب مرا آقا تو خودت میدانی
از فیض کلام خود ما را تو هدایت کن
از نور کراماتت بر ما هم عنایت کن
سلام ما به تو ای آقا خورشید سامرا
گل بهار خیر الوری خورشید سامرا
حریم تو بهشت دلها خورشید سامرا
عزیز حیدری و زهرا خورشید سامرا
نما عنایتی یا مولا خورشید سامرا
که من شوم ز اهل تقوی خورشید سامرا
به حق کشته عاشورا خورشید سامرا
به نور روی ماه سقا خورشید سامرا
یا امام هادی یا امام هادی...

نوحه ایستاده

سوم شهر الله رسیده گوش جان بانگ غم شنیده

شد روان از دیده اشک غربت در عزای خورشید ولایت

سامرا گشته دارالمصیبت

سیدی امام هادی...

شیعه از داغت خونجگر شد حسنت امشب بی پدر شد

چشم مهدی از این غصه شد تر جامه ی ماتم پوشیده مادر

گشته ای تومهمان پیمبر

سیدی امام هادی...

ای تمام عالم فدایت فاطمه گرید از برایت

لاله گون شد چشمان پر آبت پر شرر گشته قلب کبابت

برده دشمن در بزم شرابت

سیدی امام هادی...

شور همراه با ذکر

عشق من، جان من ، یا امام هادی
روح ایمان من ، یا امام هادی
احسان و جود عادتکم بین فاطمه
سلم لمن سالمکم بین فاطمه
ما دشمنان دشمن فتنه گر تو ایم
حرب لمن حاربکم بین فاطمه
مولایم تویی آقا...

کن دعا تا مهدی زهرا بیاید
عقده از دل ما شیعیان گشاید
ای آفتاب خفته به وادی سامرا
یک دم نظر نما تو به احوال زار ما
حقّ علیّ اصغر جدت عنایتی
با ذکر تو روند ، محبین به کربلا
ثارالله گل زهرا...

واحد آرام

یا سیدی ابن الرضا...

ماه رجب آمده و ، فارغ ز شور و شادی ام
من غصه دار ماتم ، آقا امام هادی ام
یا سیدی ابن الرضا...
ای دهمین امام ما ، ای بهترین کلام ما
ای بردن نام خوشت ، دلگرمی مدام ما
ای عشق تو در عالمین ، عزت و آبروی من
زیارت جامعه ات ، مصحف آرزوی من
تو معدن سخایی و ، آواره ی کویت منم
تو شمع جمع عالم و ، پروانه ی رویت منم
گنجینه ی محبتت ، شد قلب مبتلای من
ای مرقدت در سامرا ، کعبه و کربلای من
ای یادگار فاطمه، غرق الم گشته دلت
از ظلم دشمن لعین ، زهر جفا شد قاتلت
ای حجت حقّ ودود، ای هادی آل رسول
با جگر پاره شدی ، مهمان زهرا ی بتول
از غربت بی حدّ تو، چشمان عالم شد پر آب
چونکه تو را برده عدو ، میان آن بزم شراب
برابر آن ظالمان ، دستان صبرت بسته شد
از بی حیایی عدو ، حرمت تو شکسته شد
زین واقعه یا سیدی، دل گشته زار و پر بلا
گریم به یاد آن سری که بوده در طشت طلا
از دیدن این منظره اشک ملائک شد روان
در پیش چشم دخترش دشمن بر او زد خیزران